



فرزاد رنجبر  
کارگردان فیلم کوتاه  
داستانی «بیست و یک»؛

ایده فیلم «۲۱» به صورت  
شهودی به ذهنم رسید

فرزاد رنجبر، کارگردان فیلم‌های «رقص آب»، «آپولو»، «گودال» و «روز خداحافظی»، این بار با فیلمی به نام «بیست و یک» در جشنواره فیلم کوتاه تهران شرکت کرده است. این فیلم ۲۵ دقیقه‌ای به مسیر و چالش‌هایی می‌پردازد که یک پدر و پسر در فرآیند ترک اعتیاد با آن روبه‌رو می‌شوند و فیلم‌برداری آن در مدت پنج روز انجام شده است.

فرزاد رنجبر درباره چگونگی شکل‌گیری ایده فیلم «بیست و یک» گفت: «ایده فیلم «۲۱» به صورت شهودی به ذهنم رسید به گونه‌ای که ناگهان کل ایده و قصه به من الهام شد و ظرف دو روز آن را نوشتم. موضوع اصلی این فیلم، اعتیاد است و از آنجایی که خودم سابقه چند ساله درگیر بودن با اعتیاد را داشتم و پس از درمان، سال‌ها در کنگره ۶۰ به‌عنوان راهنمای درمان اعتیاد فعالیت می‌کردم، همیشه با مسئله‌ای اعتیاد سر و کار داشتم و این موضوع همواره یکی از دغدغه‌های ذهنی‌ام بود. من دوست داشتم در این حوزه اثری بسازم که بتوانم عمق تاریکی، تلخی، ترس و رنجی را که هم مصرف‌کننده و هم اعضای خانواده‌اش تجربه می‌کنند، به تصویر بکشم.

وی پروسه انتخاب بازیگران فیلم را این گونه توضیح داد: فیلم دو بازیگر اصلی دارد و یک دختر بچه که در یک پلان حضور دارد. عمده‌ی داستان درباره‌ی رابطه‌ی پدر و فرزندش است که در مسیر ترک اعتیاد قرار دارند. چالش اصلی ما انتخاب بازیگر نقش پدر بود، چون این نقش بسیار پیچیده نیاز به فیزیکی خاص و بازیگری بسیار حرفه‌ای و متبحر داشت. انتخاب بازیگر برای این نقش واقعاً دشوار بود و ما روی گزینه‌های متعددی فکر کردیم تا در نهایت به آقای علی نفیسی رسیدیم که با وجود فیزیکی بسیار قوی، همچنان توانایی بالایی در اجرای این نقش داشت. ایشان برای ایفای این نقش زحمت زیادی کشیدند؛ در برخی پلان‌ها که پیراهن به تن ندارند، شاهد کبودی‌هایی

هستیم که مربوط به صحنه‌ی تقلای‌های پدر در پروسه‌ی ترک اعتیاد است. به نظر من بازی ایشان می‌تواند یکی از بازی‌های درخشان جشنواره‌ی امسال باشد. در مورد نقش کودک، من در یادداشتی که در خصوص یافتن بازیگر مناسب برای دستیار برنامه‌ریز کار نوشته بودم، آتقدر به فاکتورهای زیادی اشاره و ویژگی‌های دقیقی برای این نقش تعیین کرده بودم که همه می‌پرسیدند «مگر می‌خواهید چه بسازید؟ اصلاً همچین بچه‌ای وجود دارد؟» اما خوشبختانه وقتی حسین شهبازی را دیدم، همان لحظه اول متوجه شدم که او می‌تواند از پس این نقش بر بیاید. حسین شهبازی از بازیگران شناخته شده حوزه کودک و نوجوان و بسیار فوق‌العاده است، او با آبی کبوی بالا و روحیه‌ای حرفه‌ای که حتی در میان بازیگران حرفه‌ای هم کم‌نظیر است، در این اثر حضور داشت. برای مثال، در همان روز آخر فیلم‌برداری که ۲۱ ساعت طول کشید، او تمام مدت جلوی دوربین بود و حتی یک بار هم گلابه نکرد.

این کارگردان به تفاوت واقعیت با الگوی نگرش جامعه نسبت به ظاهر فرد معتاد اشاره کرد و بیان داشت: در این فیلم ما نیازی به تغییر وزن علی نفیسی نداشتیم هرچند که ایشان پیش‌تر در فیلم «بامداد خمار» و سریال «سوسون» بیش از ۴۰ تا ۵۰ کیلوگرم وزن کم و زیاد کرده‌اند و در این زمینه تجربه و مهارت بالایی دارند. من هم در زمینه‌ی آماده‌سازی بازیگر و تغییر فیزیکی برای نقش تجربه دارم؛ مثلاً برای فیلم «روز خداحافظی»، آقای رشادت در مدت ۴۰ روز حدود ۲۰ کیلوگرم وزن کم کردند. اما در این پروژه، چون تنها پنج روز پیش از شروع فیلم‌برداری با آقای نفیسی به توافق رسیدیم، زمان کافی برای کاهش وزن وجود نداشت، بنابراین بار اصلی کار بر دوش گریم و بازیگری بود. از طرفی، در واقعیت هم بسیاری از انواع اعتیاد به کاهش وزن منجر نمی‌شوند و همین نکته به باورپذیری نقش کمک کرد. در فرآیند انتخاب بازیگر، گزینه‌های متعددی به من معرفی می‌شدند. برخی از دوستان در بخش تولید و تهیه تأکید داشتند بازیگرانی انتخاب شوند که از نظر فیزیکی «به معتادها بخورند». اما من، با توجه به اطلاعاتی که در این حوزه دارم، می‌دانستم که تصور عمومی و رایج از ظاهر فرد معتاد با واقعیت تفاوت دارد. مردم اغلب تصویری از یک معتاد متجاهر دارند، در حالی که در واقعیت ممکن است فرد مصرف‌کننده سابقه‌ی جدی ورزشکاری داشته و حتی از نظر فیزیکی قوی یا جاق باشد. از سویی همین نگاه باعث شد که شخصیت پدر در فیلم برایم وجهی ترسناک پیدا کند.

وی در ادامه افزود: این فیلم در واقع رگه‌هایی از ژانر ترسناک دارد. بازیگر شخصیت اصلی این فیلم باید می‌توانست در کنار آن بعد اعتیاد، جنبه‌هایی ترسناکی در شخصیتش داشته باشد و من در آقای علی نفیسی این ویژگی را می‌دیدم؛ نگاه سنگین و فیزیکی خاص او باعث می‌شود در عین واقع‌گرایی، حس ترس هم القا شود. بنابراین این فیلم را می‌توان تریلری خانوادگی با مایه‌هایی از «هارور» دانست.

فرزاد رنجبر در ادامه به تأثیر ساخت آثار در قالب ژانر اشاره کرده، گفت: من سعی کرده‌ام در فیلم خودم قواعد ژانر را رعایت کنم و به نظرم این رویکردی که از دوره‌ی مدیریت قبلی جشنواره شکل گرفت، حداقل روی من تأثیر مثبتی گذاشت و معتقدم این نگاه سطح کار مرا ارتقا داد. بنابراین فکر می‌کنم در این اثر، حرکت در چارچوب ژانر باعث شده فیلم بهتر جواب بدهد و احساس می‌کنم در نتیجه‌ی همین رویکرد، مخاطب نیز به نسبت دیگر آثارم با این فیلم ارتباط عمیق‌تری برقرار خواهد کرد.

این کارگردان در خصوص انتظار برای برگزیده شدن و جایزه گرفتن اظهار کرد: این چهارمین دوره‌ی پیاپی است که در بخش اصلی جشنواره‌ی تهران حضور دارم. فکر می‌کنم شاید نخستین فردی باشم که چنین رکوردی را ثبت کرده‌ام، چون پیش از این کسی چهار بار متوالی در بخش اصلی حضور نداشته است. با این وجود، تنها «روز خداحافظی» بود که یک جایزه گرفت و در بخشی دیگر نیز کاندیدا شد. اما احساس می‌کنم فیلم جدیدم یک گام بزرگ رو به جلو است و نسبت به آثار قبلی‌ام پیشرفت قابل‌ملاحظه‌ای دارد. به هر حال، جایزه موضوعی کاملاً سلیقه‌ای است. از نظر من، فیلم‌ساز باید پیش از آن که جایزه گرفتن را یاد بگیرد، باید جایزه نگرفتن را بیاموزد و امیدوارم که من این درس را به‌خوبی آموخته باشم.

گفت‌وگوی  
روزنامه صبا با  
کارگردانان بخش  
داستانی جشنواره ۴۲  
فیلم کوتاه تهران

# سه نگاه، سه جهان؛ روایت‌های تازه از فیلم کوتاه ایران

مریم عظیمی  
گفت‌وگو

با آغاز چهل و دومین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران، روزنامه صبا گفت‌وگو‌هایی را با فیلمسازان بخش‌های مستند، تجربی، اقتباسی، انیمیشن و داستانی این رویداد در قالب ویژه‌نامه منتشر می‌کند. خبرنگار روزنامه صبا در اولین روز این جشنواره و در بخش فیلم‌های کوتاه داستانی به سراغ سه کارگردان از نسل تازه فیلمسازان ایرانی رفته که با نگاهی شخصی و متفاوت به میدان آمده‌اند. فرزاد رنجبر در «بیست و یک» به تاریکی و رنج اعتیاد سر می‌زند، صورح واحه در «میان دو حرف» مرز میان مرگ و زندگی را شاعرانه می‌کاود و دانیال تروش با «دچار» سفری درون‌گرایانه به جهان ذهن و زخم‌های روان انسان دارد. سه روایت کوتاه اما پر معنا از سینمایی که هنوز در قاب‌های کوچک، جهان‌های بزرگ می‌آفریند. چهل و دومین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران از ۲۷ مهر تا ۱۴۰۴ برگزار می‌شود.

